



Ethics of Economic Policymaking in the Islamic Approach

Mohammad Javad Tavakoli¹ 

1. Professor, Department of Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran. Email: tavakoli@iki.ac.ir

Article Info

Article type:
Research

Article history:

Received: 2025/05/23

Received in revised form:
2025/06/13

Accepted: 2025/06/24

Available online: 2025/06/30

Keywords:

Economic policymaking,
economic ethics, distributive
justice, duty-based
perfectionism, inclusive social
cost - benefit.

ABSTRACT

Economic policymaking is subject to numerous ethical questions. One of the important ethical questions in this regard is how to uphold the rights of individuals affected by economic policies and how to prioritize public expenditures. In this article, I examine the ethical principles governing economic policymaking in the Islamic approach. According to the research findings, perfectionism, the prioritization of goals and economic policies, inclusive social cost-benefit analysis and attention to the deprivation and benefit coefficient are among the ethical principles of economic policymaking in the Islamic approach. In this framework, the "duty-based perfectionism" approach is proposed as a normative ethical approach in Islamic economic policymaking. Within the framework of this idea, the inclusive social cost-benefit guideline is presented as a tool for ranking policy measures in the Islamic approach. Accordingly, various economic plans are ranked based on net social benefit; furthermore, considerations of distributive justice are incorporated into the ranking process by taking into account the deprivation coefficient. This approach can be utilized for decision – making regarding government spending, budget deficit policy and the distribution and utilization of public resources.

Cite this article: Tavakoli, Mohammad Javad (2025). Ethics of Economic Policymaking in the Islamic Approach, *Interdisciplinary Studies in Economics*, 1(2), 4 – 24. <https://doi.org/10.22091/ise.2025.13009.1034>

© Author(s) retain the copyright and full publishing rights.

Publisher: University of Qom.

DOI: <https://doi.org/10.22091/ise.2025.13009.1034>



اخلاق سیاست‌گذاری اقتصادی در رویکرد اسلامی

محمدجواد توکلی^۱

۱. استاد گروه اقتصاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، قم، ایران. رایانامه: tavakoli@iki.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹

کلیدواژه‌ها:

سیاست‌گذاری اقتصادی، اخلاق

اقتصادی، عدالت توزیعی،

کمال‌گرایی وظیفه‌محور، هزینه-

فایده اجتماعی فراگیر.

سیاست‌گذاری اقتصادی در معرض سؤالات اخلاقی بی‌شماری است. یکی از سؤالات اخلاقی مهم در این زمینه چگونگی رعایت حقوق افراد تحت تأثیر سیاست اقتصادی و اولویت‌بندی مخارج عمومی است. در این مقاله به بررسی اصول اخلاقی حاکم بر سیاست‌گذاری اقتصادی در رویکرد اسلامی پرداخته می‌شود. بنا به یافته‌های تحقیق، کمال‌گرایی، اولویت‌بندی اهداف و سیاست‌های اقتصادی، تحلیل هزینه- فایده اجتماعی فراگیر و توجه به ضریب محرومیت و بهره‌مندی از جمله اصول اخلاقی سیاست‌گذاری اقتصادی در رویکرد اسلامی هستند. در این چارچوب رویکرد «کمال‌گرایی وظیفه‌محور» به‌عنوان رویکرد اخلاق هنجاری در سیاست‌گذاری اقتصادی اسلامی مطرح است. در چارچوب این اندیشه، دستورالعمل هزینه- فایده اجتماعی فراگیر به‌عنوان ابزاری برای رتبه‌بندی اقدامات سیاستی در رویکرد اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر این اساس، طرح‌های مختلف اقتصادی بر اساس منفعت خالص اجتماعی رتبه‌بندی می‌شوند؛ علاوه بر این که توجه به اقتضائات عدالت توزیعی نیز با در نظر گرفتن ضریب محرومیت در رتبه‌بندی طرح‌ها مدنظر قرار می‌گیرد. از این رویکرد می‌توان برای تصمیم‌گیری در زمینه تأمین مخارج دولت، سیاست کسری بودجه و چگونگی توزیع و بهره‌برداری از منابع عمومی استفاده کرد.

استناد: توکلی، محمدجواد (۱۴۰۴). اخلاق سیاست‌گذاری اقتصادی در رویکرد اسلامی. *مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد*، ۱ (۲)، ۴-۲۴.

<https://doi.org/10.22091/ise.2025.13009.10345>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه قم.

مقدمه

اخلاق سیاست‌گذاری اقتصادی مرتبط با رفتار سیاست‌مداران است. در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی این سؤال مطرح است که چه نوع سیاست اقتصادی از نظر اخلاقی قابل قبول است؟ برای نمونه، این سؤال مطرح است که دولت هنگام تدوین سیاست‌های اقتصادی چگونه باید اهداف و اولویت‌های سیاستی را تعیین کند؟ آیا دولت می‌تواند برای تأمین مخارج خود و رفع کسری بودجه اقدام به انتشار اوراق خزانه کند. این اقدام دولت ممکن است مصداق آینده‌فروشی قلمداد شود. در مقابل، ممکن است گفته شود این اقدام مناسب‌تر از انتشار و خلق پول توسط بانک مرکزی است.

اخلاق سیاست‌گذاری اقتصادی ناظر به گستره وسیعی از سیاست‌ها از جمله سیاست‌های پولی و مالی است. سیاست‌های پولی توسط بانک مرکزی و با استفاده از ابزارهایی همچون تغییر ذخایر قانونی سپرده‌های بانکی برای کنترل میزان خلق پول و نقدینگی و عملیات بازار باز با هدف مدیریت نقدینگی (خرید و فروش اوراق مشارکت و خزانة) صورت می‌گیرد. سیاست‌های مالی نیز توسط دولت با به‌کارگیری ابزارهایی چون تغییر در نرخ‌های مالیاتی، تغییر در مخارج دولت صورت می‌گیرد. تدوین برنامه‌های توسعه و پیشرفت و همچنین تدوین بودجه‌های سالانه در چارچوب این برنامه‌ها نیز بخشی از سیاست‌گذاری‌های رایج اقتصادی است.

در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به بررسی رویکرد اسلامی در زمینه اخلاق سیاست‌گذاری اقتصادی می‌پردازیم. برای این منظور، پس از بررسی مختصر پیشینه تحقیق، ابتدا به بررسی مسائل اخلاق سیاست‌گذاری اقتصادی خواهیم پرداخت. در ادامه اصول اخلاقی سیاست‌گذاری اقتصادی در رویکرد اسلامی تبیین می‌شود. سپس با استفاده از این اصول، به بحث از چگونگی مواجهه با تزامم‌های اخلاقی در سیاست‌گذاری اقتصادی خواهیم پرداخت.

مروری بر مطالعات پیشین

در زمینه اخلاق سیاست‌گذاری در رویکرد اسلامی، مطالعات چندانی صورت نگرفته است. در ادامه به برخی از مطالعات مرتبط با این حوزه اشاره می‌کنیم.

عربی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «نظریه اخلاق هنجاری و دلالت‌های آن در سیاست‌گذاری اقتصادی: درس‌هایی برای اقتصاد اسلامی» به نقد رویکرد مطلوبیت‌گرایانه حاکم بر سیاست‌گذاری اقتصادی در اقتصاد متعارف پرداختند. زاهدی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «نقد ابتدای اقتصاد اسلامی بر مطلوبیت‌گرایی دوساحتی: درآمدی بر تکلیف‌گرایی دینی» ضمن نقد مطلوبیت‌گرایی دوساحتی، تکلیف‌گرایی دینی را رویکرد مورد قبول در اقتصاد اسلامی می‌دانند. عربی و زندی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌گذاری اقتصادی از منظر اخلاق فضیلت: درس‌هایی برای اقتصاد اسلامی» به بررسی رویکرد اخلاق فضیلت در اخلاق هنجاری سیاست‌گذاری اقتصادی پرداختند. عزیزی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و نقد تأثیر مکتب فایده‌گرایی بر نظریه‌های تصمیم‌گیری و مقایسه آن با نظریه رشد اسلامی» استدلال می‌کنند که به‌جای نظریه فایده‌گرایی باید از نظریه رشد اسلامی به‌عنوان مبنای تصمیم‌گیری استفاده کرد. پاشایی و صادقی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «سودگروی اخلاقی در آیین قرآن و عقل» استدلال می‌کنند که سودگروی یا فایده‌گرایی به‌واسطه اشکالات متعدّدش نمی‌تواند به‌عنوان معیار قرآنی در اخلاق فردی یا اخلاق خرد محسوب شود. موسوی و توکلی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی تأثیر ملاک‌های مختلف ارزش داوری اخلاقی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و دلالت‌های آن برای اقتصاد اسلامی» در مورد رویکرد اخلاق هنجاری حاکم بر سیاست‌گذاری اقتصادی بحث و بررسی کردند. موسوی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «الزامات معیار اخلاقی اسلام برای اقدامات

سیاستی در اقتصاد اسلامی» تلاش کرده است تا رویکرد اسلام در زمینه ارزیابی اقدامات سیاستی را ارائه دهد. وی مکتب اخلاق هنجاری اسلام را «کمال‌گرایی نتیجه‌نگر» دانسته است.

در این مقاله با استفاده از پژوهش‌های مورد اشاره تلاش داریم تا تصویر دقیقی از معیارهای ارزیابی اخلاقی سیاست‌های اقتصادی در رویکرد اسلامی ارائه دهیم. در این راستا به امر تراحم‌های اخلاقی مطرح در سیاست‌گذاری اقتصادی از جمله در تأمین مالی مخارج دولت و توزیع و بهره‌برداری از منابع عمومی می‌پردازیم.

مسائل اخلاق سیاست‌گذاری اقتصادی

سیاست‌گذاری اقتصادی مستلزم تصرف در منابع عمومی و تغییر در توزیع فرصت‌ها، امکانات و ثروت میان افراد جامعه است. سیاست‌گذاران اقتصادی در مورد اقداماتی همچون وضع تعرفه بر صادرات و واردات و بودجه‌ریزی با این سؤال اخلاقی مواجه‌اند که این اقدامات سیاستی تا چه میزان اخلاقی است. وقتی دولت بودجه عمرانی محدود خود را بین مناطق مختلف و طرح‌های متفاوت توزیع می‌کند، این سؤال مطرح می‌شود که آیا چنین گزینشی را می‌توان اخلاقی قلمداد کرد؟ هنگامی که می‌توان بودجه محدود عمرانی را به یک طرح محرومیت‌زدایی در یک روستای مرزی اختصاص دهیم و یا آن را برای طرحی در پایتخت استفاده کنیم، کدامیک از نظر اخلاقی درست است؟

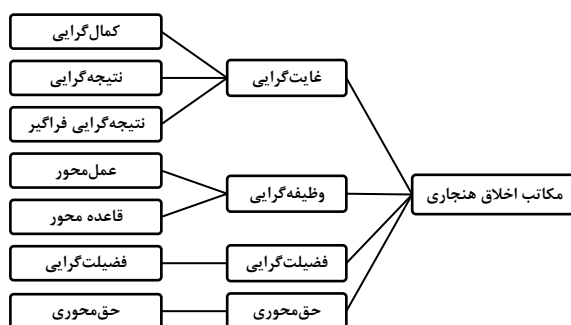
در میان سؤالات اخلاقی در مورد سیاست‌گذاری اقتصادی، سؤال از عدالت و انصاف سؤالی محوری است. سیاست‌های اقتصادی در بسیاری از موارد منافی را برای عده‌ای به دنبال دارند و در مقابل هزینه‌هایی نیز برای عده‌ای دیگر دارند. در این موارد یک بازی جمع صفر برقرار است. برای نمونه، وقتی سیاست‌گذار تصمیم می‌گیرد خیابانی را تعریض کند و یا اتوبانی را در یک منطقه مسکونی ایجاد کند، این اقدام سیاستی باعث می‌شود که افرادی که زمینشان در طرح واقع شده متضرر شوند؛ کسانی که زمینشان نبش این اتوبان قرار می‌گیرد از این اقدام سیاستی منتفع می‌شوند. سؤال این است که آیا اجرای این سیاست عادلانه است؟ سیاست‌گذار برای تحقق عدالت چه باید بکند؟ آیا سیاست‌گذار نباید از کسانی که زمینشان مرغوب شده مالیات یا عوارض بگیرد و به کسانی که از این سیاست متضرر شدند، وجه پرداخت کند؟ هنگامی که سیاست‌گذار اقتصادی اقدام به وضع مقررات و محدودیت‌هایی برای برخی فعالیت‌های اقتصادی می‌کند، این اقدام عواید اقتصادی آن‌ها را محدود می‌کند. برای نمونه، وقتی دولت برای کنترل قیمت و تأمین مصالح داخلی، صادرات محصولی را ممنوع می‌کند، این اقدام عواید صادرکنندگان و تولیدکنندگان آن محصول را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

برای پاسخ به مسائل اخلاق سیاست‌گذاری اقتصادی باید معیارها یا اصولی برای قضاوت اخلاقی داشته باشیم. در این زمینه گاهی مکاتب اخلاق هنجاری معرفی می‌شوند و رهیافت آن مکاتب برای حل مسائل مرتبط با اخلاق سیاست‌گذاری اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته تحلیل مسأله و تطبیق اصول و معیارهای اخلاقی نیز نیازمند تحلیل و تأمل است.

دسته‌بندی مکاتب اخلاق هنجاری و تطبیق آن بر سیاست‌گذاری اقتصادی

بنا بر یک دسته‌بندی، مکاتب اخلاق هنجاری را می‌توان در چهار گروه غایت‌گرایی، وظیفه‌گرایی، فضیلت‌گرایی و حق‌محوری جای داد (موسوی و توکلی، ۱۳۹۹: ۸۸-۸۹). بر اساس مکتب غایت‌گرایی، خوبی یک کار به میزان تأثیر آن بر تحقق ارزش ذاتی (چیزی که همواره خوب است) می‌باشد. غایت‌گرایی دارای دو نوع کمال‌گرایی و نتیجه‌گرایی است. از ترکیب کمال‌گرایی و نتیجه‌گرایی نیز با عنوان نتیجه‌گرایی فراگیر یاد می‌شود. نتیجه‌گرایان معمولاً لذت را دارای ارزش ذاتی می‌دانند؛ کمال‌گرایان استعداد‌های ذاتی

قابل پرورش انسان را دارای ارزش ذاتی می‌دانند. در نتیجه‌گرایی فراگیر هم به لذت و هم استعدادهای ذاتی بشر توجه می‌شود (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۴۵-۴۶).



شکل ۱. دسته‌بندی مکاتب اخلاق هنجاری

(منبع: موسوی و توکلی، ۱۳۹۹)

در مکتب وظیفه‌گرایی، خوبی یک کار به ماهیت ذاتی آن، انگیزه‌های انجام‌دهنده یا تطابق آن با یک اصل و قاعده بستگی دارد. بر این اساس، اخلاقی بودن یک عمل به نتایج آن وابسته نیست؛ اگر هم وابستگی داشته باشد، به صورت جزئی است. یک کار می‌تواند خوب باشد، حتی اگر بیشترین غلبه خیر بر شر راه به دنبال نداشته باشد. وظیفه‌گرایی دارای دو قسم عمل‌محور و قاعده‌محور است. در قاعده‌محوری، انجام رفتار مطابق با یک قاعده (مانند دروغ نگویید) یا چند قاعده همواره خوب است. ولی در عمل‌محوری، قواعد جزئی برای موارد مختلف داریم و قاعده مطلق وجود ندارد (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۴۷ و ۶۸). فضیلت‌گرایی، به دنبال تعیین کار خوب نیست، بلکه فرد خوب و منش خوب را مشخص می‌کند. بر این اساس، شخصی خوب است که رفتارش مطابق فضیلت باشد. تقریرهای فاعل - مبنا و اخلاق مراقبت از گونه‌های مکتب فضیلت‌گرایی است (هولمز، ۱۳۸۵: ۷۸-۷۹). حق‌محوری نیز مستلزم آن است که خوب چیزی است که، حقوق انسان‌ها را تأمین کند. در این رویکرد، حق مقدم بر وظیفه است و وظایف بر اساس حقوق تعیین می‌شود. حق‌محوری مبتنی بر حقوق طبیعی و حق‌محوری مبتنی بر قراردادگرایی از مهمترین تقریرهای این رویکرد است (هولمز، ۱۳۸۵: ۵۱-۵۳ و داروال و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۲).

مکتب اخلاق هنجاری اسلام در سیاست‌گذاری اقتصادی

برای ارزیابی اخلاقی سیاست‌های اقتصادی باید به ملاک ارزش دآوری در مورد وضعیت‌ها، سیاست‌ها و مداخلات اقتصادی دست یافت. سیاست‌گذاری در اقتصاد متعارف به شدت تحت تأثیر پذیرش رویکرد پیامدگرایی مطلوبیت محور و به تبع شاخص‌هایی همچون بهینه پرتو (وضعیتی که در آن امکان بهتر کردن وضعیت یک فرد بدون کاستن از رفاه دیگران وجود نداشته باشد) قرار دارد. هرچند این روند با مباحث مرتبط با توابع رفاه اجتماعی دچار تغییراتی شده و در کنار کارایی، ارزش‌های دیگری همچون عدالت نیز مورد توجه قرار گرفته است، زیربنای مطلوبیت‌گرایانه مکتب اخلاق هنجاری مورد پذیرش در اقتصاد متعارف تغییر چندانی نکرده است.

رویکرد پیامدگرایی مطلوبیت‌گرایانه را نمی‌توان به عنوان مبنا و ملاک ارزش‌گذاری در اقتصاد اسلامی هنجاری پذیرفت. به کارگیری این رویکرد برای ارزیابی سیاست‌گذاری در اقتصاد اسلامی موجب بروز کاستی‌های زیادی می‌شود. دو رکن اساسی پیامدگرایی مطلوبیت محور یعنی «مهم بودن پیامدها» و «سنجش پیامدها بر اساس مطلوبیت» با انتقاداتی روبه‌رو است. این که نتایج یک گزینه یا سیاست بهترین سنجه برای پذیرش آن باشد، محل تأمل است. اگر مردم شهری از دیدن به دارآویخته شدن افراد لذت ببرند، حتی اگر

وی جرمی مرتکب نشده باشد، با این اقدام بیشترین میزان لذت حاصل خواهد شد، ولی چنین عملی را نمی‌توان اخلاقی دانست. همچنین، اگر نتایج دو انتخاب کاملاً یکسان باشد، فرد مطلوبیت‌گرا قادر به انتخاب بین آن دو نخواهد بود. بهره‌گیری از این معیار در صحنه عمل نیز با مشکلاتی روبرو است. در شیوه معمول تحلیل هزینه-فایده، محاسبه مطلوبیت همه افراد و تمامی پیامدهای سیاست‌ها امکان‌پذیر نیست. سنجش افزایش یا کاهش رضایت یا شادی افراد هنگام انتخاب يك سیاست امکان‌پذیر نیست (عربی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۸-۴۰). همچنین، این نظریه با مشکل «جهل ما نسبت به پیامدها و عدم توانایی در سنجش سود و زیان کلان» روبه‌رو است.

در تحلیل محققان اقتصاد اسلامی پیشنهاد شده که در نظام اسلامی، انتخاب يك سیاست از سوی سیاست‌گذار با رویکرد تکلیف‌گرا و با توجه به تأثیر آن بر کمال افراد تعیین شود. این رویکرد به آیات و روایاتی مستند شده که حاکی از آن است که حق و عدل فی‌نفسه مهم‌اند و سیاست‌گذار اقتصادی باید فارغ از نتایج محتمل در پی آن باشد. به نظر آن‌ها، نگاه مادی‌گرا و دنیوی به انسان و ارزش‌گذاری بیش از اندازه سود و منفعت در مطلوبیت‌گرایی اقتصاد متعارف، با آموزه‌های اسلامی ناسازگار است. در رویکرد اسلامی، نگاه محدود مادی و دنیوی به سود و منفعت مذموم است. از نگاه این محققان، دلالت التزامی پابندی به مطلوبیت‌گرایی نسبی‌گرایی ارزشی است که با رویکرد اسلامی در پذیرش حسن و قبح عقلی ناسازگار است (عربی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۱-۴۴).

برخی محققان بحث از ملاک ارزش‌گذاری در اقتصاد اسلامی را از زاویه تابع رفاه اجتماعی مطرح کرده‌اند. تابع رفاه اجتماعی اسلامی، رتبه‌بندی وضعیت‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی از نگاه اسلام را منعکس می‌کند. در رتبه‌بندی مزبور باید دیدگاه اسلام نسبت به رابطه مطلوبیت با رفاه اجتماعی و نقش آزادی در توابع رفاه اجتماعی را تشریح کرد. در این تحلیل گرایش توابع رفاه به مطلوبیت‌گرایی و آزادی نقد شده است. بر اساس این رویکرد، نتایج ارزیابی توابع رفاه اجتماعی لیبرالیستی^۱ همانند توابع رفاه رالز^۲ و آمارتیا سن^۳، حاکی از آن است که همه این توابع تنها بر نقش مطلوبیت‌های افراد تأکید دارند. در این توابع این ادعای محوری بیان شده که رفاه اجتماعی تنها در صورتی افزایش می‌یابد که مصادیق رفاهی از مجرای خواست و رضایت افراد جامعه عبور کنند. این در حالی است که در تابع رفاه مبتنی بر مبانی اسلامی هدف نهایی تقرب به خداوند متعال است و تنها آنچه انسان‌ها را در این مسیر توانمند سازد باعث افزایش رفاه اجتماعی می‌شود. در این چارچوب، تنها مطلوبیت‌هایی که بتوانند چنین نقشی را ایفا کنند در تابع رفاه اجتماعی حضور خواهند داشت (کرمی، ۱۳۹۳: ۱۶۱).

در چارچوب این تحلیل، اعتقاد به ارج نهادن به مطلوبیت‌های افراد به‌مثابه کرامتی برای انسان، يك اعتقاد لیبرالیستی است که خود وام‌دار تفکر اومانیستی^۴ است. در این رویکرد اومانیستی، بر توانایی انسان در پیدا کردن راه سعادت خویش و بی‌نیازی از ماورای طبیعت تأکید می‌شود. در این مکتب، انسان به‌جای خدا نشسته و نسخه سعادت را خودش بدون کمک از وحی الهی می‌پیچد. از این‌رو، عرصه اهداف، آمال و زندگی انسان به دنیای مادی محدود شد و زندگی جاودان آخرت به‌دست فراموشی سپرده شد. با چنین نگرشی به زندگی، طبیعی است که کرامت انسانی به ارج نهادن خواست دنیایی و مادی او منحصر شود، تا آن‌جا که برخی اومانیسم را به هرگونه فلسفه‌ای تعریف می‌کنند که رفاه مادی را به‌عنوان کرامت انسانی معرفی می‌کند. رویکرد اومانیستی کنونی در تفسیرش از

1. Liberal Welfare Functions

2. Rawls

3. Amartya Sen

4. Humanistic

کرامت انسانی، دست‌کم خواست و مطلوبیت‌های افراد را به‌عنوان عنصر مهم می‌پذیرد و مهم نیست که خواست افراد، آنان را در چه جهتی سوق دهد (کرمی، ۱۳۹۳: ۱۷۳).

در رویکرد ارزشی اسلام، انسان برای تقرب به خداوند آفریده شده است. عبودیت الهی در سطوح گوناگون فردی و اجتماعی، بر اساس رهنمودهای الهی و در چارچوب اصل اختیار انسانی تحقق می‌یابد. این هدف ایجاب می‌کند که همه امکانات مادی برای دستیابی انسان به این هدف آفریده شده باشد. این امکانات مادی باید به‌گونه‌ای در تأمین معاش حال و آینده افراد جامعه به‌کار رود که در جهت تکامل همه افراد جامعه قرار گیرد. افراد باید در تحصیل و تخصیص این امکانات طوری رفتار کنند که به بهترین وجه از آن‌ها برای کمال خود و دیگران استفاده و نیازهای متناسب با آن را تأمین کنند (کرمی، ۱۳۹۳: ۱۷۴). از این‌رو، رفاه اقتصادی و اجتماعی باید زمینه‌های لازم اقتصادی برای تکامل افراد را فراهم سازد. هر تغییری که زمینه‌های رفاهی بیشتری را برای تعداد زیاده‌تری از افراد جامعه در دستیابی به چنین تقریبی فراهم کند، نقش مؤثرتری در این تابع خواهد داشت. در این صورت، متغیر اصلی تابع رفاه اجتماعی اسلامی، مصادیق رفاهی می‌باشند که انسان و جامعه را در مسیر تقرب به خدا توانمند سازد (کرمی، ۱۳۹۳: ۱۷۵). مصادیق رفاهی مؤثر بر تقرب افراد به خدا انواع و اقسامی دارد. مطلوبیتی که فرد مسلمان از امور خیر و انفاق در راه خدا می‌یابد، یکی از این موارد است که می‌تواند دست‌کم از طریق حسن فعلی و حسن فاعلی به تحقق این هدف کمک کند. بر اساس این تحلیل، مطلوبیت‌هایی که انسان را در مسیر نزدیک شدن به خداوند توانمند می‌سازد، تابعی از کالاها و خدمات انفاق شده در راه خدا است. در تابع رفاه اجتماعی مبتنی بر بینش اسلامی نیز در مواردی توزیع کالاها و خدمات باید از مجرای خواست و مطلوبیت افراد بگذرد. البته این خواست‌ها و مطلوبیت‌ها باید بتوانند افراد و جامعه را در مسیر تقرب به خداوند توانمند سازند (کرمی، ۱۳۹۳: ۱۷۵).

اگر کالاها و خدمات با واسطه یا بدون واسطه مطلوبیت‌های افراد، بتوانند افراد و جامعه را در مسیر تقرب به خداوند توانمند سازند، مطلوبیت‌ها، متغیر توضیحی تابع توانمندی خواهد بود. به بیان دیگر، متغیر توضیحی تابع رفاه اجتماعی اسلامی، توانمندی در مسیر تقرب الی الله است. توانمندی نیز به نوبه خود تابعی از دو متغیر است: یکی مطلوبیت‌هایی که از توزیع کالاها و خدمات برای افراد فراهم می‌کند. متغیر دیگری که توانمندی را توضیح می‌دهد، توزیع کالاها و خدماتی است که به‌صورت مستقیم و بدون نیاز به رضایت‌مندی افراد این توانمندی را ایجاد و تقویت می‌کند؛ مانند تأمین بهداشت عمومی، زدودن فساد از جامعه و تأمین حد کفاف برای افراد و توزیع کالاهای دیگر لازم برای تأمین مصالح اجتماعی که تأثیرشان بر رفاه اجتماعی متوقف بر جلب رضایت افراد نیست، بلکه جامعه اسلامی مکلف است این کالاها را برای تحقق اهداف الهی تأمین کند، گرچه خوشایند افراد نباشد. هرچند این تحلیل می‌تواند جهت‌گیری کلی در سیاست‌گذاری اقتصادی در رویکرد اسلامی را تعیین کند، با این وجود یک تابع رفاه اجتماعی خاص باید بتواند چگونگی توزیع منابع را میان افراد جامعه برای تأمین اهدافی همچون توانمندسازی در مسیر تقرب الهی تعیین کند (کرمی، ۱۳۹۳: ۱۷۶-۱۷۹).

نکته مهم در حوزه سیاست‌های اقتصادی وجود بخش خالی قانون‌گذاری (منطقة الفراغ) است. در این موارد ما حکم صریحی از طرف شارع نداریم و ولی امر باید با در نظر گرفتن اصول ثابتی همچون اصل عدالت اقدام به قانون‌گذاری یا تصمیم‌گیری کند. برای نمونه، نمایندگان مجلس باید تصمیم بگیرند که بودجه عمرانی کشور را چگونه توزیع کنند. مشخص است که در آیات و روایات به صراحت حکمی در مورد چگونگی تخصیص بودجه عمرانی وارد نشده است.

برای قانون‌گذاری در حوزه منطقة الفراغ باید اهداف سیاستی از جمله افزایش رفاه و عدالت را در نظر گرفت. حال سؤال این است که چه قانونی اخلاقی است؟ آیا قانونی را باید تصویب کرد که رفاه کل را بیشینه کند و یا عدالت توزیعی را تقویت کند؟ برای نمونه،

بودجه عمرانی کشور را چگونه باید بین مناطق مختلف تقسیم کرد؟ اگر رویکرد پیامدگرایانه را مورد توجه قرار دهیم، تخصیص بودجه عمرانی باید با توجه به پیامدهای هر نوع تخصیص صورت گیرد. اما مهم این است که به چه پیامدی باید توجه کنیم؟ پیامد بودجه بر رفاه کل یا پیامد آن بر رفاه افراد محروم جامعه؟ آیا در این وضعیت اولویت است که بودجه عمرانی را به مناطق محروم تخصیص دهیم یا باید نسبت به کارایی تخصیص بودجه حساس باشیم؟

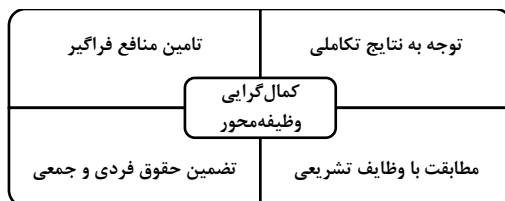
برای پاسخ به سؤالات بالا باید مکتب اخلاق هنجاری اسلام را تبیین کرد، با توجه به روند استدلالی که در ادامه می‌آید مکتب اخلاق هنجاری اسلام را می‌توان «کمال‌گرایی وظیفه‌محور» دانست. بر اساس این دیدگاه، سیاست‌های اقتصادی را باید با توجه به تأثیر آن‌ها بر تکامل افراد جامعه و دستیابی به قرب الهی به‌عنوان ارزش نهایی و تکامل اقتصادی ایشان به‌عنوان ارزشی ابزاری ارزیابی کرد. از آن‌جا که تکامل افراد با تحقق مصالح نهفته در ورای احکام مرتبط است، احکام تشریعی راهنمای خوبی برای تعیین اهداف سیاست اقتصادی و حتی راهبردهای کلی آن است (وظیفه محوری تشریعی).

احکام الهی تابع مصالح و مفاسد است. پس وقتی تکلیفی بر عهده ماست، بدین معناست که «باید آن تکلیف را انجام دهیم تا مصلحت آن تحقق پیدا کند. بر این اساس، ما موظف به نتیجه هستیم ... ما بسیاری از مصالحی را که بر حوادث عالم مترتب می‌شوند، نمی‌دانیم. وظیفه ما این است که مرد وظیفه و تکلیف باشیم. البته تکلیف در بسیاری از موارد تابع نتایج محدودی است که ما می‌توانیم آنها را محاسبه کنیم، در چنین مواردی باید نتایج را محاسبه کنیم. اما این محاسبه هم، خود جزئی از وظیفه است و ما باید بعد از آن اقدام کنیم، اما نباید از این‌که چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود، نگران باشیم (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۲۴-۲۵).

در نگاه اخلاقی اسلام به نظام اقتصادی، تکامل اقتصادی در سایه تأمین نیازهای معیشتی افراد در چارچوب «روابط عادلانه» و «همراه با احسان» محقق می‌شود. شکل‌گیری روابط عادلانه مستلزم آن است که در روابط متقابل انسان‌ها و داد و ستدها به کسی ظلم و اجحاف نشود و حقوق مالکیت محترم شمرده شود (رعایت حقوق فرد و جامعه). کم‌فروشی، تدلیس و کلاهبرداری، خوردن مال یتیم، اکل مال به باطل، رشوه و ربا از جمله مصادیق ظلم و بی‌عدالتی هستند. لازمه احسان نیز ایثار و از خودگذشتگی فراتر از موازین عدل است که دارای مصادیقی همچون اطعام فقیر و پرداخت قرض‌الحسنه است. بر این اساس، سیاست اقتصادی باید در خدمت تأمین نیازهای اقتصادی (رفاه)، گسترش عدالت و ترویج احسان و نیکوکاری باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۲۸۵-۳۲۴).

ماجرای سمره بن جندب را در نظر بگیرید؛ اقدام پیامبر به کندن درخت وی باعث کاهش رفاه او و افزایش رفاه صاحب باغ شد. در این حالت چرا پیامبر عملی را انجام دادند که رفاه فردی را افزایش و رفاه دیگری را کاهش می‌دهد؟ به‌نظر می‌رسد که در این وضعیت اصل عدالت حکم فرما است. پیامبر اعظم (ص) تلاش کرد تا با تمهیداتی رضایت خاطر صاحب درخت و باغ را به‌صورت همزمان تأمین کند، ولی هنگامی که این کار میسر نشد، حکم به قطع درخت دادند. این اقدام را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که ضرر باقی ماندن درخت بیشتر از ضرر قطع آن بود. این اقدام را می‌توان مقتضای اصل عدالت نیز دانست. به‌هرحال در اینجا تزامنی بین تأمین رفاه صاحب باغ و درخت (رفاه) و رعایت حقوق آن دو (عدالت) به‌وجود آمده است، پیامبر اعظم (ص) عدالت را بر تأمین رفاه برتری دادند. در این ماجرا با قطع شدن درخت، ثمرات آن نیز از بین رفته است و از این جهت رفاه کل را کاهش داده است، هرچند که به‌واسطه دفع مزاحمت از صاحب باغ، رفاه او افزایش، ولی رفاه صاحب درخت کاهش یافته است.

با توجه به آنچه گفته شد، کمال‌گرایی وظیفه‌محور، مستلزم توجه به نتایج تکاملی، تأمین منافع فراگیر، رعایت وظایف تشریعی و تضمین حقوق فردی و جمعی است. بر این اساس، ارزیابی یک سیاست به ارزیابی آثار آن بر تکامل افراد، توجه به منافع فراگیر فرد/جامعه در دنیا و آخرت، مطابقت با وظایف تشریعی و تأمین حقوق فردی و جمعی وابسته است.



شکل ۲. مؤلفه‌های کمال‌گرایی وظیفه‌محور

(منبع: یافته‌های پژوهش)

اقتضائات مکتب اخلاق هنجاری اسلام در سیاست‌گذاری اقتصادی

پس از معرفی مکتب اخلاق هنجاری اسلام نوبت به بررسی اقتضائات آن در سیاست‌گذاری اقتصادی می‌رسد. کاربست مکتب «کمال‌گرایی وظیفه‌محور» در سیاست‌گذاری اقتصادی در اقتصاد اسلامی مستلزم رتبه‌بندی اهداف، رتبه‌بندی سیاست‌ها بر اساس رویکرد هزینه-فایده اجتماعی فراگیر و توجه به ضریب محرومیت و بهره‌مندی است.

رتبه‌بندی اهداف سیاستی

در چارچوب نظریه کمال‌گرایی وظیفه‌محور، در وهله اول باید به رتبه‌بندی اهداف سیاستی پرداخت. از آن‌جا که در رویکرد ارزشی اسلام، تحقق حیات طیبیه و کمال انسان در سایه قرب الهی به‌عنوان ارزش محوری در نظر گرفته می‌شود، سایر ارزش‌ها و اهداف با توجه به میزان تأثیرگذاری بر آن، ارزش‌گذاری می‌شوند. البته تعیین دقیق رتبه اهداف به‌ویژه هنگام بروز تزامن در مقام عمل، با پیچیدگی‌هایی روبه‌رو است.

برخی محققان اقتصاد اسلامی با توجه به مباحث فقه اهل سنت، رتبه‌بندی اهداف اقتصاد اسلامی در قالب مباحث مقاصد شریعت را مطرح کرده‌اند (قرضاوی، ۱۹۹۶؛ السوسوه، ۱۹۹۴). از نگاه آن‌ها، رتبه‌بندی اهداف اقتصاد اسلامی بر اساس فقه اولویت‌بندی (فقه الأولویات) و فقه وزن‌دهی (فقه الموازنات) صورت می‌گیرد. ۱ فقه اولویت‌بندی بیانگر قواعد و اصول کلی رتبه‌بندی است. بر اساس این «رویکرد قاعده‌نگر»، اولویت اهداف به‌ترتیب حفظ دین اسلام، حفظ جان انسان‌ها، حفظ تعالی انسان‌ها و حفظ و رشد بهزیستی مادی افراد معرفی شده است. در اولویت‌بندی این اهداف نیز اولویت به‌ترتیب به ضروریات، حاجیات و تحسینات اختصاص می‌یابد (مجاوی، ۲۰۱۱). اگر شمول مکانی (ملی، منطقه‌ای و محلی) و زمانی (کوتاه‌مدت و بلندمدت) نتایج را نیز در نظر بگیریم، اولویت با نتایجی است که گسترده و وسیعی‌تری از نظر مکانی و زمانی دارند.

هرچند رویکرد فقه اولویت‌بندی ضوابط و معیارهای کلی ارائه می‌دهد، ما همچنان نیازمند ابزار دقیق‌تری برای سنجش برنامه‌ها و سیاست‌ها به شکلی عمل‌نگر هستیم. در تحلیل فقه وزن‌دهی، منافع مهم‌تر و دارای مصلحت بیشتر به‌واسطه قواعدی همچون قاعده «تقدیم اعظم المصلحتین» (علی‌آبادی و اسفندیاری، ۱۳۹۴) و «اهم و مهم» (عشایری منفرد و جزائری، ۱۳۹۰) وزن بیشتری می‌گیرند. مقابله با مفاسد مهم‌تر نیز بر دفع مفاسد کم اهمیت‌تر مقدم می‌شوند (علی‌آبادی و اسفندیاری، ۱۳۹۴). نتیجه این هزینه-

۱. در فقه الأولویه قواعد اولویت و رتبه‌بندی بیان و در فقه الموازنه، روش‌های وزن‌دهی مشخص می‌شود.

فایده اجتماعی آن است که طرح‌ها و سیاست‌ها، بر اساس منفعت خالص اجتماعی رتبه‌بندی شوند و مواردی اجرا شوند که بالاترین مصلحت و نفع جامعه اسلامی را به دنبال داشته باشند (السوسوه، ۱۹۹۴: ۱-۶۷).

در رویکرد شیعی نیز اهداف جامعه اسلامی دارای یک رتبه نیستند. در بیان برخی از فقهای شیعه تقسیم‌بندی مصالح به شکلی مشابه تقسیم‌بندی فقهای اهل سنت مطرح شده است (قمی، ۱۳۷۸: ۹۲؛ تسخیری، ۱۳۸۸). برخی محققان اقتصاد اسلامی بدون اشاره به تقسیم‌بندی پنج‌گانه اهل سنت، به رتبه‌بندی اهداف در اقتصاد اسلامی اشاره دارند. از نظر ایشان، حفظ نظام اسلامی و حاکمیت سیاسی آن با این که هدف اقتصادی نیست؛ ولی بر اهداف اقتصادی تقدم دارد. همچنین، تأمین نیازهای ضروری و اولیه که نظام حیات افراد جامعه به آن وابسته است، نسبت به رشد رفاه عمومی تقدم دارد. در شرایط معاصر، تعلیم و تربیت، تأمین اجتماعی و تأمین دیگر زیرساخت‌های پیشرفت بر سایر اهداف اولویت دارند. به جز حفظ اصل نظام اسلامی و بعد از آن حفظ جان انسان‌ها، سایر اولویت‌ها در شرایط مختلف اجتماعی-سیاسی رتبه‌بندی مختلفی می‌یابند (نظری، ۱۳۹۰: ۱۹-۲۰).

هنگامی که تأمین اهداف دچار تراحم می‌شود، باید با توجه به مقاصد و مصالح شرع اقدام به اولویت‌بندی و وزن‌دهی کنیم. وزن‌دهی می‌تواند با توجه به اهمیت مصالح، گستره و طول دوره منافع عمومی صورت گیرد، به گونه‌ای که در مجموع نفع بیشتر و بلندمدت‌تری نصیب جامعه اسلامی شود. البته گاهی می‌توان تراحم اهداف را با اجرای سیاست‌های تکمیلی برطرف کرد. برای نمونه، اگر انجام طرحی با هدف افزایش کارایی، باعث بدتر شدن وضع درآمدی طبقات پائین جامعه می‌گردد، می‌توان طرحی برای جبران کاهش درآمد این گروه در نظر گرفت. البته مقتضای برخی از دستورات دینی، عمل به مقتضای ارزش‌های اخلاقی علیرغم وجود منفعت در گریز از آن است. برای نمونه، عمل به پیمان‌ها حتی با دولت‌های غیراسلامی ضروری قلمداد شده، حتی اگر نقض پیمان به نفع جامعه اسلامی باشد. برای نمونه، در صورت وجود تراحم بین دو مصلحت یاری رساندن به مسلمانان سایر مناطق و پایبندی به پیمان با سایر کشورها، عمل به پیمان بر اولی برتری داده شده است (انفال: ۳۷۲ و قرائتی، ۱۳۸۸: ۳۶۵).

با مراجعه به منابع دینی می‌توان برخی اولویت‌بندی‌ها در زمینه اهداف اقتصادی را نیز استنباط کرد. برای نمونه، در آیات قرآن و روایات از اصل رعایت مراتب در انفاق به دیگران سخن به میان آمده است. بر این اساس، افراد از نظر استحقاق دریافت صدقات در یک رتبه قرار ندارند و در صورت محدودیت منابع باید سلسله مراتب رعایت شود. در احسان به دیگران، اولویت اول با پدر و مادر نیازمند است. پس از اینان نوبت به خویشاوندان نیازمند می‌رسد. پس از آن‌ها، همسایگان و بعد دوستان اولویت دارند. در این طبقات، اولویت با کسانی است که نیازشان بیشتر است و در تنگنای زندگی و مشکلات گرفتار آمده‌اند، مانند یتیمان بی سرپرست، نیازمندان به اقلام حیاتی مانند غذا و یا در راه‌مندگان که در غربت گرفتار شده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۳۲۲-۳۲۴).

هزینه- فایده اجتماعی فراگیر سیاست‌ها و اقدامات

پس از تعیین و اولویت‌بندی اهداف، نوبت به تصمیم‌گیری در مورد سیاست‌ها و اقدامات برای دستیابی به آن اهداف است. برای نمونه، هنگامی که سیاست‌گذاران به دنبال انتخاب طرح‌های مختلف عمرانی برای دستیابی به پیشرفت اقتصادی و تخصیص بودجه بدان هستند، چاره‌ای جز مقایسه گزینه‌های مختلف و ارزش داوری اخلاقی در مورد آن‌ها ندارند. بر اساس رویکرد غالب در اقتصاد متعارف که برگرفته از مکتب اخلاقی پیامدگرایی مطلوبیت‌گرایانه است، این طرح‌ها را باید با استفاده از اصل هزینه- فایده اقتصادی رتبه‌بندی کرد. صرف‌نظر از مشکلات موجود در محاسبه مطلوبیت افراد و سیاست‌ها، شیوه رایج با این محدودیت روبه‌رو است که هزینه‌ها و منافع اجتماعی را در نظر نمی‌گیرد. برای رفع این مشکل، رویکرد «هزینه- فایده اجتماعی» پیشنهاد شده است. در این

رویکرد، برای ارزیابی یک سیاست تنها به آثار اقتصادی آن توجه نمی‌شود، بلکه آثار اجتماعی آن نیز ملاحظه می‌شود. در همین راستا، آثار زیست محیطی برنامه‌های توسعه در کنار آثار اقتصادی آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد.

اسلام نگرشی جامع نسبت به ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سیاست‌های اقتصادی دارد. بر اساس این رویکرد، ارزیابی و مقایسه طرح‌های مختلف باید با استفاده از اصل «هزینه- فایده اجتماعی فراگیر» صورت گیرد. بر اساس این اصل، مجموعه‌ای از آثار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی طرح‌های مختلف باید اندازه‌گیری و مقایسه شود. در این چارچوب، توجه به آثار فرا اقتصادی طرح‌های اقتصادی تنها به بررسی آثار زیست محیطی محدود نمی‌شود، بلکه حتی آثار فرهنگی و اجتماعی آن نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. از این‌رو، یک طرح اقتصادی به‌واسطه داشتن آثار منفی فرهنگی ممکن است کنار گذاشته شود، هرچند که این طرح درآمدزایی اقتصادی بالایی داشته باشد.

برای تشخیص این‌که کدام سیاست و طرح نفع خالص اجتماعی فراگیر بیشتری عاید جامعه اسلامی می‌کند، باید بتوانیم هزینه‌ها و منافع آن‌ها را بر اساس مقیاسی واحد سنجیده و مقایسه کنیم. چنین ارزش‌گذاری اگر به‌صورت پولی صورت گیرد، با مشکلات خاص خود روبه‌رو است، چرا که نسبت دادن ارزش مادی به برخی امور و اهداف همچون حفظ دین و جان انسان با مخاطراتی همراه است. با این وجود، نمی‌توان ارزش‌گذاری مادی طرح‌ها را به‌شکل کلی کنار گذاشت. در مواردی که قیمت‌گذاری مشکل است ناگزیریم که از قیمت‌های تخمینی در مقام سیاست‌گذاری استفاده کنیم. برای نمونه، ممکن است اگر احداث یک کارخانه باعث بروز برخی بیماری‌ها می‌شود، هزینه درمان آن بیماری را برای ارزیابی هزینه فایده سیاست استفاده کنیم. گاهی پیشنهاد می‌شود که از خود افراد برای ارزش‌گذاری استفاده شود. برای نمونه، می‌توان از افراد سؤال کرد در برابر پذیرش اجرای یک طرح عمرانی پرخطر چه میزان حاضرند دریافت کنند. البته این نوع ارزش‌گذاری تخمینی با مشکلاتی نیز روبه‌رو است، از جمله این‌که مردم فقیر ممکن است به‌واسطه شدت نیازشان با دریافت مبلغی اندک حاضر به پذیرش اجرای سیاست‌های پر مخاطره‌ای همچون احداث مکانی برای دفن زباله‌های هسته‌ای در اطراف محل سکونتشان شوند (توکلی، ۱۳۹۷).

ضریب محرومیت و بهره‌مندی

رتبه‌بندی طرح‌های مختلف با توجه به هزینه- فایده اجتماعی فراگیر باعث می‌شود که سیاست‌گذار پیش روی خود مجموعه‌ای از طرح‌های رتبه‌بندی شده بر اساس منفعت خالص اجتماعی فراگیر داشته باشد. مشخص است که منابع محدود به‌ترتیب به طرح‌هایی اختصاص می‌یابد که بالاترین منفعت خالص اجتماعی فراگیر را داشته باشند. با توجه به تأکید اسلام بر عدالت توزیعی و ضرورت جبران بی‌عدالتی‌ها (عدالت اصلاحی) در روند تاریخی، می‌توان معیار دیگری را نیز برای این منظور در نظر گرفت. تعیین ضریب محرومیت و بهره‌مندی مناطق مختلف می‌تواند به‌عنوان معیاری تکمیلی برای رتبه‌بندی طرح‌ها استفاده شود. بر این اساس، ضریب محرومیت (و در مقابل ضریب بهره‌مندی) نیز برای رتبه‌بندی طرح‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این حالت، رتبه‌بندی منفعت خالص اجتماعی فراگیر به کارایی و ضریب محرومیت به نیاز و عدالت توزیعی نظر دارد.

مراحل کاربرست مکتب اخلاق هنجاری اسلام در سیاست‌گذاری اقتصادی

کاربرست مکتب اخلاق هنجاری اسلام در سیاست‌گذاری اقتصادی نیازمند طی مراحل زیر است:

- (۱) تعیین اهداف سیاستی، تعریف دقیق و شاخص‌بندی هریک
- (۲) رتبه‌بندی اهداف سیاستی بر اساس مرجحات اخلاقی همچون رتبه مقاصد شریعت

- ۳) کشف موارد احتمالی تزامم اهداف و تعیین تکلیف در مورد آن
- ۴) تعیین گزینه‌های مختلف در زمینه اقدامات سیاستی
- ۵) محاسبه هزینه- فایده اجتماعی فراگیر اقدامات سیاستی
- ۶) رتبه‌بندی اقدامات سیاستی یا طرح‌ها بر اساس خالص منفعت اجتماعی فراگیر
- ۷) انتخاب طرح‌ها از میان طرح‌های رتبه‌بندی شده با توجه به میزان بودجه قابل تخصیص
- ۸) طراحی پیوست‌های جبرانی در موارد تزامم اهداف و سیاست‌ها

با توجه به آنچه در مورد رتبه‌بندی اهداف و سیاست‌ها گفته شد، وزن‌دهی برای تصمیم‌گیری در موارد تزامم می‌تواند با ارجاع به مرجحات اخلاقی همچون رتبه مقاصد شرعی، قواعد فقهی یا اصول عقلایی صورت گیرد. برای نمونه، اصل الاهم فالاهم می‌تواند یکی از معیارهای قابل استفاده در رفع تزامم باشد. بر این اساس، هنگامی که برای انتخاب بین دو طرح آبرسانی به مناطق محروم و زیباسازی معابر عمومی می‌خواهیم دست به انتخاب بزنیم، قاعدتاً اولی از جهت اهمیت بر دومی برتری دارد.

لازم به ذکر است که استفاده از سیاست‌های مکمل برای رفع تزامم هنگامی قابل استفاده است که بتوان با پرداخت‌های جبرانی زبان افراد آسیب دیده را جبران کرد. در برخی موارد یا خسارت‌دیدگان قابل شناسایی نیستند و یا خسارت آن‌ها قابل جبران نیست. در این موارد، باید در اجرای سیاست تجدید نظر کرد، چون باعث تضییع حقوق افراد بدون جبران می‌شود. بر این اساس، در مواردی که اجرای یک سیاست یا طرح اقتصادی موجب ضرر غیرمتدارک به گروهی می‌شود، نمی‌توان از سیاست مکمل استفاده کرد. برای نمونه، هنگامی که دفن زباله‌ای هسته‌ای خطرات جدی برای سلامت شهروندان ایجاد می‌کند، سیاست جبرانی نمی‌تواند تضییع حقوق افراد از این محل را جبران کند.

کاربرد مکتب اخلاق اقتصادی اسلام در زمینه مسائل سیاست‌گذاری اقتصادی

با توجه به این که در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به‌طور معمول گزینه‌های مختلفی مطرح است و هرکدام از این گزینه‌ها پیامدهای متفاوتی دارند، انتخاب گزینه سیاستی مستلزم مراجعه به رویکرد مورد پذیرش در اخلاق هنجاری سیاست‌گذاری اقتصادی است. برای نمونه می‌توان از مکتب اخلاق اقتصادی اسلام برای تصمیم در مورد تأمین مالی مخارج دولت، تأمین مالی کسری بودجه دولت و توزیع و بهره‌برداری از منابع عمومی استفاده کرد.

الف) تأمین مالی مخارج دولت

یکی از مسائل مهم در حوزه سیاست‌های اقتصادی چگونگی تأمین مخارج دولت و همچنین، اجرای طرح‌های توسعه‌ای است. در این زمینه مسائل اخلاقی متعددی مطرح است. برای نمونه، این سؤال مطرح است که آیا دولت می‌تواند مخارج جاری خود را با استفاده از فروش منابعی همچون نفت تأمین کند. آیا دولت می‌تواند مخارج خود را با انتشار اوراق خزانه تأمین کند؟ دولت برای تأمین مخارج خود راه‌های گوناگونی را پیش‌رو دارد. یکی از بهترین ابزارهای موجود استفاده از مالیات و نظام مالیاتی است. در کنار این ابزار، ابزارهای دیگری همچون چاپ پول، فروش منابع طبیعی از جمله نفت و همچنین انتشار اوراق خزانه و صکوک اسلامی مطرح است. چاپ پول در صورتی که به شکل بی‌رویه صورت گیرد، باعث ایجاد تورم می‌شود. به همین خاطر از این سیاست با عنوان مالیات تورمی نیز یاد می‌شود. فروش منابع طبیعی و به‌خصوص نفت زمینه‌ساز وابستگی دولت به فروش ثروت‌های طبیعی و صادرات مواد خام را فراهم می‌کند که نتایج ناگواری در پی داشته و دارد. انتشار اوراق نیز مشکلاتی همچون بدهکار شدن دولت‌ها را در پی دارد که گاهی از آن با عنوان آینده‌فروشی یاد می‌شود.

برای قضاوت در مورد شیوه‌های تأمین مالی دولت باید به ملاک ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی دولت برگردیم و آن را مورد مذاقه قرار دهیم. بر اساس آنچه گفته شد، سیاست‌گذاران برای انتخاب یک سیاست یا ابزار، چاره‌ای جز ملاحظه مصالح اجتماعی و هزینه-فایده اجتماعی فراگیر ندارند. به هر حال هر شیوه تأمین مالی، منافع و مضراتی دارد. ممکن است استدلال شود که مالیات‌ستانی در مقابل روش‌های دیگر تأمین مالی دولت برتری نسبی دارد. در این روش عملاً پول جدیدی وارد جامعه نمی‌شود (بر خلاف روش چاپ پول)، دولت دچار فروش ثروت‌های عمومی نمی‌شود (بر خلاف روش فروش منابع طبیعی) و همچنین دولت بدهکار نمی‌شود (برخلاف روش انتشار اوراق). ولی اتکای کامل به مالیات نیز مشکلات خود را دارد و می‌تواند باعث فشار به واحدهای تولیدی و مصرف‌کنندگان شود و منجر به کاهش تولید و حتی رکود اقتصادی شود.

اگر انتشار پول شکلی کنترل شده داشته باشد و فراتر از نرخ رشد اقتصادی نرود، این روش نیز می‌تواند به دولت کمک کند که هم بخشی از مخارج خود را تأمین کند و هم نقدینگی مورد نیاز جامعه را فراهم کند. در مقابل، دو روش انتشار اوراق و فروش ثروت‌های طبیعی با مخاطراتی روبه‌رو هستند. انتشار اوراق، دولت را در خطر استقراض برای تأمین مخارج جاری قرار می‌دهد. بله، اگر اوراق برای تأمین مالی مخارج عمرانی استفاده شود و از این محل به دارندگان اوراق سود پرداخت شود، این ابزار نوعی ابزار تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های دولت است. همچنین، اگر ثروت‌های طبیعی در جریان تولید قرار گیرند و به جای خام فروشی، محصولات با ارزش افزوده بالا صادر شود، این اقدام هم به نفع دولت است و هم منافع عمومی را به بهترین شکل تأمین می‌کند. به خصوص آن‌که اگر ثروت‌های طبیعی را به عنوان بخشی از اموال عمومی در نظر بگیریم، این ثروت‌ها نباید تنها برای نسل حاضر خرج شود و مصرف آن برای مخارج جاری دولت چندان موجه نیست، این همان نکته‌ای است که در ادامه از آن با عنوان توزیع و بهره‌برداری از منابع عمومی یاد می‌کنیم.

ب) سیاست کسری بودجه

قضاوت در مورد کسری بودجه دولت و شیوه تأمین آن نیز بر اساس کمال‌گرایی وظیفه‌محور قابل انجام است. این امر مستلزم تجزیه و تحلیل کارکردهای بودجه دولت و شیوه‌های تأمین آن با توجه به ارزش‌ها و اهداف اقتصاد اسلامی به خصوص عدالت توزیعی و همچنین هزینه-فایده اجتماعی فراگیر روش‌های مختلف تأمین مخارج دولت است.

در چارچوب کمال‌گرایی وظیفه‌محور، قضاوت اخلاقی در مورد کسری بودجه دولت و روش‌های تأمین آن متوقف بر ارزیابی دقیق آثار آن از جمله اثر بر رشد اقتصادی، عدالت توزیعی و تورم است. ارزیابی آثار تورمی انبساط در بودجه دولت دائر مدار تحلیل شیوه تأمین آن است. این سؤال مطرح است که در شرایطی که دولت با تنگناهای مالی همچون مشکلات ناشی از تحریم اقتصادی (مشکل در تأمین منابع ارزی) و تشدید رکود اقتصادی (و در نتیجه بروز مشکل در مالیات‌ستانی) روبه‌رو است، آیا افزایش بودجه، که گاهی از آن با عنوان کسری بودجه یاد می‌شود، را باید به کلی نامطلوب دانست؟ برخی این سؤال را این گونه پاسخ می‌دهند که کسری بودجه به خودی خود مذموم نیست، آنچه آن را مذموم می‌کند، روش تأمین مالی آن است. اگر کسری بودجه از محل افزایش نقدینگی تنها منجر به تورم شود، امری مذموم است. در مقابل اگر کسری بودجه به شکلی صحیح تأمین شود و به رونق اقتصاد ملی کمک کند، امر مذمومی نیست. از نگاه ایشان اگر کسری بودجه با استفاده از انتشار اوراق بدهی (و تعمیق بازار بدهی) و نه استقراض از بانک مرکزی تأمین شود، این سیاست مطلوب است، هرچند که اولویت با تقویت درآمدهای مالیاتی است.

برای قضاوت در مورد خوبی یا بدی کسری بودجه در شرایط رکودی و وضعیت جنگ اقتصادی و همچنین راه‌های تأمین آن باید رصد دقیقی از وضعیت اقتصادی کشور داشت. در سالیان اخیر، این سیاست دنبال شده است که با سه قفله کردن بانک مرکزی بر

روی دولت، کسری بودجه از محل گسترش پایه پولی محدود شود، ولی در مقابل دست بانک‌ها در افزایش نقدینگی باز گذاشته شده است. این به معنای سیاستی دوگانه است. این سیاست از یک سو دست دولت را در بهره‌مندی از پایه پولی برای تأمین منابع مالی بسته است و از سوی دیگر تمهیدی برای ارتزاق بانک‌ها به‌خصوص بانک‌های خصوصی از خلق پول ندارد. این در حالی است که تأمین کسری بودجه از محل پایه پولی همراه با کنترل خلق پول بانکی بسیار مناسب‌تر از محدودسازی تأمین مالی بودجه از محل پایه پولی و در مقابل آزاد گذاشتن بانک‌ها در خلق پول است. اگر خلق پول را به‌عنوان یکی از فرصت‌های اقتصادی در نظر بگیریم، این فرصت قاعداً باید در خدمت دولت اسلامی و نه نظام بانکی باشد تا از منافع آن عموم مردم و نه اقشار خاص بهره‌مند شوند.

در چارچوب رویکرد کمال‌گرایی وظیفه‌محور، باید بین کسری بودجه‌ای که ناشی از سیاست‌گذاری هدفمند دولت است و کسری بودجه‌ای که ناشی از عدم حکمرانی اقتصادی دولت است تفکیک کرد. کسری بودجه نوع اول مربوط به مواقعی است که دولت به‌طور آگاهانه و با هدف دستیابی به اهداف معینی، بودجه‌ریزی می‌کند. این اهداف ممکن است شامل توسعه زیرساخت‌ها، حمایت از بخش‌های آسیب‌پذیر اقتصادی یا اجرای پروژه‌های ملی باشد. در این موارد، ارزیابی سیاست کسری بودجه پس از تحقق این اهداف و مشاهده نتایج سیاست‌گذاری‌های دولت امکان‌پذیر است. اگر اهداف محقق شوند و نتایج مثبت به‌دست آید، ممکن است این نوع کسری بودجه قابل توجیه باشد.

اما نوع دوم کسری بودجه، ناشی از عدم حکمرانی اقتصادی صحیح است. این نوع کسری بودجه مذموم بوده و غالباً به‌دلیل ضعف در ساختار بودجه‌ریزی، عدم کارایی مقامات دولتی و مداخله گسترده ذی‌نفعان در فرآیند بودجه‌ریزی ایجاد می‌شود. عدم وجود شفافیت و پاسخگویی در مدیریت مالی، باعث ایجاد ساختار معیوب نظام بودجه‌ریزی می‌شود که در نتیجه آن، بودجه به درستی تخصیص نمی‌یابد و منابع مالی هدر می‌روند. همچنین، دخالت‌های غیرمسئولانه و عدم اجرای صحیح وظایف مقامات دولتی، منجر به افزایش کسری بودجه می‌شود.

به‌نظر می‌رسد که مسئله کسری بودجه در ایران بیشتر از نوع دوم باشد. یعنی کسری بودجه ناشی از عدم حکمرانی اقتصادی صحیح و ساختار معیوب بودجه‌ریزی است. این نوع کسری بودجه مزمن است و به‌طور مداوم افزایش می‌یابد، برخلاف کسری بودجه ناشی از سیاست‌گذاری هدفمند که ممکن است موقتی و زمان‌مند باشد. در نتیجه، برای مقابله با این مشکل، اصلاح ساختار بودجه‌ریزی، افزایش شفافیت و پاسخگویی در مدیریت مالی و کاهش مداخلات غیرضروری ذی‌نفعان ضروری است. تنها در این صورت می‌توان به کاهش کسری بودجه و بهبود وضعیت اقتصادی کشور امیدوار بود.

ج) توزیع و بهره‌برداری از منابع عمومی

یکی از مسائل اخلاق کاربردی در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی چگونگی توزیع منابع عمومی در برنامه‌های توسعه و پیشرفت و به تبع بودجه‌ریزی متناسب با آن است. چگونگی توزیع بودجه‌ها بین مناطق مختلف و همچنین چگونگی توزیع بین نسلی منابع در برنامه‌های توسعه و پیشرفت از جمله مسائل پیش‌رو می‌باشد. با توجه به محدودیت منابع عمومی، اگر بودجه‌ای را به یک طرح اختصاص دهیم، عملاً باید آن را به طرح دیگر تخصیص ندهیم. در این زمینه هم باید در مورد اهداف برنامه‌ریزی و تخصیص بودجه تصمیم‌گیری کنیم و هم بتوانیم طرح‌های مختلفی که برای دستیابی به این اهداف قابل اجرا است را رتبه‌بندی کنیم.

برای ارزش‌دآوری اخلاقی در مورد توزیع منابع عمومی باید برداشتی مشخص از اقتضائات عدالت توزیعی در رویکرد اسلامی داشته باشیم. عدالت ۱ و برابری ۲ از جمله مفاهیم ارزشی مهم در ارزیابی وضعیت‌ها و سیاست‌های اقتصادی به‌شمار می‌روند. اختلاف اقتصاددانان در برداشت از مفهوم عدالت و برابری باعث توصیه‌های سیاستی متفاوتی شده است. برای نمونه، در نظریات دولت رفاه، نابرابری به‌عنوان مهم‌ترین توجیه دخالت دولت در بازار قلمداد می‌شود و برنامه‌های دولت رفاه با هدف کم‌کردن نابرابری درآمدی تدوین می‌شود.

اقتصاددانان هم در مورد اهمیت و ضرورت عدالت و برابری و هم در مورد مفهوم و مصادیق آن با ابهامات زیادی روبه‌رو هستند. این سؤال جدی مطرح است که از نظر اخلاقی چه وضعیتی عادلانه است؟ فرصت‌ها و منابع چگونه باید بین افراد توزیع شود؟ آیا لازمه عدالت برابری است؟ کدام تفاوت‌های اقتصادی بین مردم قابل توجیه است؟ افراد در چه چیزی باید برابر شوند؟ مواجهه با انواع نابرابری چگونه باید باشد؟ آیا در مورد افراد بی‌خانمان باید صرف‌نظر از دلیل بی‌خانمان شدنشان به‌شکلی برابر دغدغه داشت؟ آیا باید از فردی که به‌صورت مادرزاد ناتوان است با کسی که به‌واسطه اعتیاد ناتوان شده، حمایت یکسانی صورت گیرد؟ برخی برای برابری اقتصادی ارزش ذاتی و گروهی ارزش ابزاری قائلند. برخی نابرابری اقتصادی را بدین‌خاطر که ممکن است به ناملایماتی مانند فقر گسترده، بی‌ثباتی اجتماعی و استثمار سیاسی بینجامد، نامطلوب می‌دانند. در مقابل، گروهی معتقدند که بنا به شهود اخلاقی، برابری ارزشی ذاتی دارد (Hausman & Mcpherson, 2006: 174-183).

تلاش اقتصاددانان برای تدقیق و شاخص‌بندی مفهوم عدالت و برابری اقتصادی، نظریات اقتصادی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. گسترش مباحث عدالت بین نسلی در ادبیات توسعه و توجه به فقرزدایی در برنامه‌ریزی توسعه نتیجه چنین مطالعاتی است. توجه طرفداران نظریات عدالت جان رالز به نیازهای پایه، ضرورت تأمین این نیازها و سیاست برخورداری حداکثری کم‌برخوردارها را مطرح کرده است. تلاش آمارتیا سن و مارتا ناسبام^۳ برای تعریف عدالت با توجه به مفهوم قابلیت و توانمندی افراد در بهره‌مندی از امکانات، نگاه جدیدی را به حقوق افراد ناتوان در برنامه‌های حمایتی ایجاد کرده است (Sen, 1999; Sen, 1995; Nussbaum & Sen, 1993).

عدالت در اصطلاح متفکران مسلمان در معانی مختلفی همچون برابری، مساوات، انصاف، بی‌طرفی، توازن، تعادل، تناسب، حد وسط و مطابقت با حق به‌کار رفته است (مطهری، ۱۳۵۲: ۵۲). در میان این تعاریف، تعریف عدالت به قرار دادن امور در جایگاهشان (العدل یضع الامور مواضعها) و دادن حق افراد (اعطاء کل ذی حق حقه) متداول‌تر است. برخی محققان اقتصاد اسلامی با ترکیب این دو مفهوم، عدالت را «برخورداری قانونی یکسان، دادن استحقاق‌ها و قرارگرفتن هرچیز در جایگاه مناسب و شایسته آن» تعریف کرده‌اند (عیوضلو، ۱۳۸۹: ۷-۸ و عیوضلو، ۱۳۸۵).

محققان اقتصاد اسلامی برای عدالت قواعد و ملاک‌هایی ارائه کرده‌اند. برخی از آنان با نگاهی گسترده به مفهوم عدالت برای آن معیارهایی همچون حق برخورداری برابر از منابع و ثروت‌های عمومی، سهم‌بری بر اساس میزان مشارکت در تولید (عدل طبیعی)، قرارگرفتن اموال در موضع قوام آن، قوام در بهره‌برداری از اموال و منابع عمومی و قوام در مصرف برشمردند (عیوضلو، ۱۳۸۵، ص ۲۲-۱۶). در برخی رویکردها نیز مفهوم و معیارهای عدالت عمدتاً در حوزه عدالت توزیعی مطرح شده‌اند. در این رویکرد، عدالت با

استفاده از قواعدی همچون سهم‌بری یکسان در زمینه‌های استحقاق برابر از جمله در زمینه فرصت‌ها و سهم‌بری متمایز در زمینه‌های استحقاق نابرابر شاخص‌بندی شده است (رجائی و معلمی، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۶).

در کاربردهای محققان اقتصاد اسلامی نگاهی جامع‌نگر به مفهوم عدالت به چشم می‌خورد که بر اساس آن گاهی مرزهای میان عدالت و کارایی نیز برداشته می‌شود (عیوضلو، ۱۳۸۵). در همین راستا، برخی استدلال می‌کنند که عدالت اقتصادی در متون اسلامی به چهار معنای تساوی، دادن حق هر صاحب حق به آن، عدم تفاوت فاحش درآمدی و اعتدال آمده است. هرچند ادعا شده که تمامی این معانی عدالت به صورت مطلق به اعتدال و میانه‌روی بر می‌گردند، با این وجود، هر چهار معنا برای شاخص‌سازی در زمینه عدالت اقتصادی به کار رفته‌اند (رجائی و معلمی، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۶).

شهید صدر در کتاب اقتصادنا عدالت اجتماعی را به عنوان رکن سوم اقتصاد اسلامی در کنار مالکیت مختلط و آزادی در کادر محدود معرفی می‌کند. به نظر ایشان، عدالت اجتماعی در رویکرد اسلامی مبتنی بر دو اصل تکافل عام (مربوط به تک تک مسلمانان) و توازن اجتماعی (ناظر به وظیفه دولت اسلامی) است (صدر، ۱۴۰۰: ۳۰۳). ایشان با ارائه نظریات توزیع قبل از تولید و بعد از تولید ابعادی از عدالت توزیعی در اسلام را روشن می‌ند (صدر، ۱۴۰۰: ۵۲۷-۶۳۲). از نگاه شهید صدر، توازن اجتماعی در رویکرد اسلامی به مفهوم هم‌سطحی مردم در زندگی و نه درآمد است. توازن در زندگی بدین معنا است که اموال به گونه‌ای در دست افراد جامعه گردش کند که تمام افراد جامعه سطح زندگی یکسانی داشته باشند. به نظر ایشان، دستیابی به این وضعیت به یک‌باره ممکن نیست و زمان‌بر است. اسلام با وضع دو محدودیت بالا (ممنوعیت اسراف) و پایین (لزوم بالا بردن سطح زندگی افراد پایین جامعه) برای معیشت به دنبال ایجاد همگرایی در سطح زندگی است تا جایی که به سطح یکسانی برسند (صدر، ۱۴۰۰: ۷۰۹-۷۰۶). ایشان با استناد به مضمون روایات، توازن اجتماعی را به مفهوم غنی شدن همه افراد جامعه، یعنی رسیدن زندگی تمامی افراد در سطح معیشت متعارف جامعه، می‌دانند (صدر، ۱۴۰۰: ۷۱۱).

برای تطبیق اقتضائات عدالت بر چگونگی بهره‌برداری از منابع عمومی باید توجه داشت که مالکیت این منابع به چه کسی تعلق دارد و لازمه عدالت در بهره‌برداری از آن‌ها چیست. منابع عمومی در زمره انفال جای می‌گیرند که مالکیت آن به دولت اسلامی تعلق دارد و دولت می‌تواند بر اساس مصالح عمومی در این منابع تصرف کند. مصالح عمومی گستره وسیعی دارد. دولت در به کارگیری این منابع از طرفی باید به کارایی در استفاده از آن‌ها توجه کند و از طرف دیگر باید اقتضائات عدالت را در نظر بگیرد. با توجه به اهمیت عدالت در رویکرد اسلامی، توزیع عادلانه منابع و بودجه‌ها بین مناطق مختلف و نسل‌ها نیازمند ارائه شاخص‌هایی عملیاتی برای تصمیم‌گیری است. اگر ملاک در توزیع منابع و بودجه‌ها را برابری قرار دهیم، لازمه توزیع عادلانه این است که منابع به شکل سرانه اختصاص یابد. ولی اگر به سابقه محرومیت مناطق توجه کنیم، بودجه‌ها باید با توجه به اولویت مناطق محروم تخصیص یابد. برای نمونه، برخی مناطق نفت‌خیز جنوب کشور علی‌رغم متأثر شدن از مشکلات ناشی از استخراج نفت، در محرومیت به سر می‌برند. به همین خاطر، در برنامه‌های توسعه کشور سهمی از عواید نفتی برای عمران و آبادانی این مناطق در نظر گرفته می‌شود. این برداشت شباهت زیادی به قاعده پیشینه‌سازی کمینه‌های جان رالز دارد. بر اساس نظریه عدالت رالز، اولویت در تخصیص منابع با کم بهره‌مندترین افراد جامعه است.

با توجه به کثرت طرح‌های عمرانی و نیاز مناطق مختلف به اجرای طرح‌ها، هنگام تصمیم‌گیری برای انتخاب طرح و تخصیص بودجه به آن، چاره‌ای جز هزینه-فایده اجتماعی فراگیر، به عنوان اصل راهبردی مکتب کمال‌گرایی وظیفه‌محور، طرح‌های پیش‌رو نداریم. بر این اساس ابتدا باید طرح‌های مختلف عمرانی را احصاء و سپس با توجه به منفعت خالص اجتماعی فراگیر (سرجمع منافع

و هزینه‌های اجتماعی فراگیر) رتبه‌بندی کرد. مشخص است که بودجه محدود به طرح‌هایی اختصاص می‌یابد که بالاترین منفعت خالص اجتماعی فراگیر را داشته باشند. البته می‌توان با در نظر گرفتن ضریب محرومیت، رتبه منفعت خالص اجتماعی را ترکیبی از منفعت خالص اجتماعی (معیار کارایی) و میزان استحقاق مناطق مختلف (معیار نیاز) در نظر گرفت.

نتیجه‌گیری

اخلاق سیاست‌گذاری اقتصادی ناظر به تعیین اهداف، اولویت‌ها و ابزارهای سیاستی است. بر اساس نگرش اسلامی، سیاست‌های اقتصادی از جمله سیاست‌های پولی، مالی و توسعه‌ای باید در خدمت تکامل بشر قرار گیرد (اصل کمال‌گرایی). در رویکرد ارزشی اسلام، سیاست‌های اقتصادی باید امکانات مادی جامعه را به‌گونه‌ای در خدمت تأمین معاش حال و آینده افراد جامعه قرار دهد، که در نهایت زمینه تکامل بشر و تحقق مدینه فاضله اسلامی فراهم شود. از این رو، اهداف سیاستی همچون رفاه و عدالت اقتصادی ارزشی ابزاری داشته و در خدمت دستیابی بشر به خلیفه‌اللهی و توانمندسازی در مسیر تقرب الهی قرار می‌گیرد. از این رویکرد می‌توان با عنوان کمال‌گرایی وظیفه‌محور یاد کرد.

در اقتصاد متعارف، سیاست‌گذاری اقتصادی عمدتاً بر اساس رویکرد پیامدگرایی مطلوبیت‌گرایانه صورت می‌گیرد. بر این اساس، سیاست اقتصادی یا برنامه اقتصادی مناسب است که رفاه کل را بیشینه کند. در این رویکرد، توجه چندانی به عدالت و تأثیر سیاست‌های اقتصادی بر فقرا و محرومان نمی‌شود. در این چارچوب کارایی اقتصادی، در تعیین سیاست‌های اقتصادی اولویت دارد. برخی منتقدان رویکرد غالب، تلاش کردند تا عدالت را نیز به‌عنوان یکی از اهداف سیاستی در نظر بگیرند. در همین چارچوب، جان رالز بیشینه‌سازی رفاه کم بهره‌مندترین افراد را به‌عنوان اولویت در هدف‌گذاری سیاست اقتصادی معرفی می‌کند. آمارتیا سن نیز، توانمندسازی افراد را اولیوی برای سیاست‌گذاری اقتصادی می‌داند.

در رویکرد اسلامی، سیاست‌گذاری اقتصادی مبتنی بر «کمال‌گرایی وظیفه‌محور» صورت می‌گیرد. بر اساس این دیدگاه، سیاست‌های اقتصادی را باید با توجه به تأثیر آن‌ها بر تکامل افراد جامعه و دستیابی به قرب الهی به‌عنوان ارزش نهایی و تکامل اقتصادی ایشان به‌عنوان ارزشی ابزاری ارزیابی کرد. در این مسیر شرع مقدس اسلام وظایفی را تعیین کرده است که در تحلیل کمال مطلوب و چگونگی دستیابی به آن راهگشا است. در نگرش اسلامی، تکامل اقتصادی در سایه تأمین نیازهای معیشتی افراد در چارچوب روابط عادلانه و همراه با احسان محقق می‌شود. شکل‌گیری روابط عادلانه مستلزم آن است که در روابط متقابل انسان‌ها و داد و ستدها به کسی ظلم و اجحاف نشود و حقوق مالکیت محترم شمرده شود. لازمه احسان نیز ایثار و از خودگذشتگی فراتر از موازن عدل است. بر این اساس، سیاست اقتصادی باید در خدمت تأمین نیازهای اقتصادی (رفاه)، گسترش عدالت و ترویج احسان و نیکوکاری باشد.

کمال‌گرایی وظیفه‌محور مستلزم طی سه مرحله رتبه‌بندی اهداف سیاستی، هزینه-فایده اجتماعی فراگیر سیاست‌ها و اقدامات و ضریب محرومیت و بهره‌مندی است. رتبه‌بندی اهداف سیاستی مستلزم رده‌بندی اهداف و وزن‌دهی به آن‌ها است. در مرحله دوم، بر اساس اصل هزینه-فایده اجتماعی فراگیر، طرح‌های اقتصادی رتبه‌بندی شود. بر اساس این اصل، مجموعه‌ای از آثار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی طرح‌های مختلف باید اندازه‌گیری و مقایسه شود. از این رو، یک طرح اقتصادی به‌واسطه داشتن آثار منفی اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی باید کنار گذاشته شود، هرچند که این طرح درآمدزایی اقتصادی بالایی داشته باشد. در اثر هزینه-فایده اجتماعی، طرح‌ها بر اساس منفعت خالص اجتماعی رتبه‌بندی می‌شوند و منابع موجود به طرح‌های دارای بالاترین منفعت

اجتماعی تخصیص می‌یابد. البته میزان محرومیت و بهره‌مندی مناطق نیز می‌تواند به‌عنوان ضریبی در رتبه‌بندی منفعت اجتماعی طرح‌ها استفاده شود و باعث توجه بیشتر به مناطق محروم شود.

هنگامی که طرح‌های اقتصادی مختلف بر اساس هزینه-فایده فراگیر رتبه‌بندی شد، توجه به ضریب محرومیت و بهره‌مندی می‌تواند اقتضائات عدالت توزیعی را به‌شکلی کامل در نظر بگیرد. بر این اساس، توجه به ضریب محرومیت (و در مقابل ضریب بهره‌مندی) باعث بالا رفتن جایگاه طرح‌هایی می‌شود که موجب جبران محرومیت افراد یا مناطقی می‌شود که در گذشته حقوق آن‌ها استیفا نشده است.

در چارچوب کمال‌گرایی وظیفه‌محور، رتبه‌بندی اهداف سیاستی منجر به اولویت‌دهی و وزن‌دهی به آن‌ها می‌شود. رتبه‌بندی طرح‌ها بر اساس منفعت خالص اجتماعی فراگیر نیز به تحقق هدف کارایی می‌انجامد. در نهایت، در نظر گرفتن ضریب محرومیت با توجه به عدالت اصلاحی به تحقق هدف عدالت توزیعی کمک می‌کند.

منابع

- پاشایی، امیرحسین؛ صادقی، هادی (۱۳۹۹). سودگروی اخلاقی در آینه قرآن و عقل. حکمت اسلامی، (۲۷)، ۱۳۹-۱۶۶.
- تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۸). فقه مقاصدی و حجیت آن (با نگاهی به شیوه شهید صدر). اندیشه تقریب، (۱۸)، ۹-۴۴.
- توکلی، محمد جواد (۱۳۹۷). نه فقط به خاطر پول؛ تبیین هزینه‌های مخفی پاداش و جریمه: از روان‌شناسی تا اقتصاد. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- جزائری، سید حمید؛ عشایری منفرد، محمد (۱۳۹۰). قلمرو مصلحت و عدالت در تراجم احکام و حقوق زنان. مطالعات راهبردی زنان، (۵۴)، ۷-۵۸.
- داروال، استیون؛ گیبارد، آلن؛ ریلتن، پیت (۱۳۸۱). نگاهی به فلسفه اخلاق در سده بیستم. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- رجائی، سید محمد کاظم (۱۳۹۲). مفهوم و شاخص عدالت اقتصادی. معرفت اقتصاد اسلامی، (۹)، ۷۹-۱۰۴.
- رجائی، سید محمد کاظم؛ معلمی، سید مهدی (۱۳۹۰). درآمدی بر مفهوم «عدالت اقتصادی» و شاخص‌های آن. معرفت اقتصاد اسلامی، (۴)، ۳۰-۵.
- زاهدی وفا، محمد هادی و همکاران (۱۳۹۵). نقد ابتدای اقتصاد اسلامی بر مطلوبیت‌گرایی دوساخته؛ درآمدی بر تکلیف‌گرایی دینی. مطالعات اقتصاد اسلامی، (۱۷)، ۵۹-۸۴.
- السوسوه، عبدالمجید محمد (۱۹۹۴). فقه الموازنات فی الشریعه الاسلامیه. دبی: دارالقلم.
- صدر، سید محمد باقر (۱۴۰۰ق). اقتصادنا. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- عربی، سید هادی؛ زندی، حسین (۱۳۹۶). سیاست‌گذاری اقتصادی از منظر اخلاق فضیلت؛ درس‌هایی برای اقتصاد اسلامی. روش‌شناسی علوم انسانی، (۹۰)، ۷-۳۳.
- عربی، سید هادی؛ رضائی، محمد جواد؛ موحدی بک‌نظر، مهدی (۱۳۹۲). نظریه اخلاق هنجاری و دلالت‌های آن در سیاست‌گذاری اقتصادی: درس‌هایی برای اقتصاد اسلامی. معرفت اقتصاد اسلامی، (۸)، ۲۹-۵۰.
- عزیزی، مهدی و همکاران (۱۳۹۶). بررسی و نقد تأثیر مکتب فایده‌گرایی بر نظریه‌های تصمیم‌گیری و مقایسه آن با نظریه رشد اسلامی. مدیریت اسلامی، (۲۵:۲)، ۳۵-۶۳.
- علی‌آبادی عبدالصمد؛ اسفندیاری، رضا (۱۳۹۴). واکاوی قاعده دفع افسد به فاسد از دیدگاه مذاهب فقهی. مذاهب اسلامی، (۳)، ۳۲-۹.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۵). عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصاد اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

عیوضلو، حسین (۱۳۸۹). مروری بر معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در تطبیق با چارچوب شریعت اسلام. مطالعات اقتصاد اسلامی، (۴)، ۵-۲۶.

فرانکنا، ویلیام (۱۳۷۶). فلسفه اخلاق. ترجمه هادی صادقی. قم: موسسه فرهنگی طه.

قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور (جلد ۳). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرضاوی، یوسف (۱۹۹۶). فی فقه الاولویات، درسه جدیده فی ضوء القرآن و السنه (نسخه ۲). قاهره: مکتبه وهبه.

قمی، میرزا (۱۳۷۸ق). القوانين المحکمة فی أصول الفقه. ویرایش ۲. کتابفروشی علمیه اسلامیة.

کرمی، محمد حسین (۱۳۹۳). فردگرایی به مثابه مطلوبیت‌های افراد در تابع رفاه اجتماعی از منظر اسلام و لیبرالیسم. جستارهای اقتصادی ایران، (۲۱)، ۱۶۱-۱۸۱.

مجاطی، حمزه ابن عبدالعزیز (۲۰۱۱). اقسام المقاصد عند الشاطبی. الشرق الأوسط، رقم ۱۱۷۷۴.

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۷). اخلاق در قرآن (نسخه ۵، جلد ۳). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۲). ما مرد وظیفه و تکلیفیم، پرسمان، پرسمان، (۱۲۸-۱۲۹).

مطهری، مرتضی (۱۳۵۲). عدل الهی. تهران: صدرا.

موسوی، سید محمد علی (۱۴۰۲). الزامات معیار اخلاقی اسلام برای اقدامات سیاستی در اقتصاد اسلامی. معرفت اقتصاد اسلامی، (۲۸)، ۱-۲۸.

موسوی، سید محمد علی؛ توکلی، محمد جواد (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی تأثیر ملاک‌های مختلف ارزش دآوری اخلاقی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و دلالت‌های آن برای اقتصاد اسلامی. روش‌شناسی علوم انسانی، (۱۰۳)، ۸۵-۱۰۰.

نظری، حسن آقا (۱۳۹۰). مبانی بخش عمومی در اقتصاد اسلامی. تهران: سمت.

هولمز، رابرت ال. (۱۳۸۵). مبانی فلسفه اخلاق. ترجمه مسعود علیا. تهران: ققنوس.

Aliabadi, A., & Esfandiari, R. (2015). Analysis of the rule of “repelling greater harm with lesser harm” in the view of Islamic legal schools. Islamic Denominations, 3. (In Persian)

Arabi, S., & Zandi, H. (2017). Economic policymaking from the perspective of virtue ethics: Lessons for Islamic economics. Human Sciences Methodology, 90, 7-33. (In Persian)

Arabi, S., Rezaei, M., & Mohaqqueqi Beknazari, M. (2013). Normative ethical theory and its implications for economic policymaking: Lessons for Islamic economics. Islamic Economic Knowledge, 8, 29-50. (In Persian)

Ashayeri Monfared, M., & Jazayeri, S. (2011). The scope of maslahah and justice in the realm of women's rights and rulings. Strategic Studies on Women, 54. (In Persian)

Azizi, Mehdi et al. (2017). A study and critique of the influence of utilitarianism on decision-making theories and its comparison with Islamic growth theory. Islamic Management (25:2), 35-63. (In Persian)

Darwall, S., Gibbard, A., & Railton, P. (2002). A view on moral philosophy in the 20th century. Tehran: Sohrevardi Research and Publication Office. (In Persian)

Eyvazlou, H. (2006). Justice and efficiency in comparison with the Islamic economic system. Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian)

- Eyvazlou, H. (2010). A review of social and economic justice criteria in accordance with the framework of Islamic Sharia. *Islamic Economic Studies*, 4, 5–26. (In Persian)
- Frankena, W. (1997). *Ethics* (H. Sadeqi, Trans.). Qom: Ta Cultural Institute. (In Persian)
- Hausman, D., & McPherson, M. (2006). *Economic analysis, moral philosophy, and public policy*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Holmes, R. (2006). *Foundations of moral philosophy* (M. Aliya, Trans.). Tehran: Qoqnoos. (In Persian)
- Karami, M. (2014). Individualism as individual preferences in the social welfare function from the perspective of Islam and liberalism. *Iranian Economic Essays*, 21, 161–181. (In Persian)
- Majati, H. (2011). Types of maqasid according to Al-Shatibi. *Middle East*, No. 11774. (In Persian)
- Mesbah Yazdi, M. (2008). *Ethics in the Qur'an* (5th ed., Vol. 3). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (In Persian)
- Mesbah Yazdi, M. (2013). We are people of duty and obligation. *Pursmaan*, 128–129. (In Persian)
- Motahhari, M. (1973). *Divine justice*. Tehran: Sadra. (In Persian)
- Mousavi, S. (2023). The requirements of Islamic ethical criteria for policy actions in Islamic economics. *Islamic Economic Knowledge*, 28, 1–28. (In Persian)
- Mousavi, S., & Tavakoli, M. (2020). A comparative study of the impact of different ethical value criteria in economic policymaking and their implications for Islamic economics. *Human Sciences Methodology*, 103, 85–100. (In Persian)
- Nazari, H. (2011). *Foundations of the public sector in Islamic economics*. Tehran: SAMT. (In Persian)
- Nussbaum, M., & Sen, A. (1993). *The quality of life*. Oxford: Clarendon Press.
- Qaraati, M. (2009). *Tafsir Noor* (Vol. 3). Tehran: Cultural Center for Lessons from the Qur'an. (In Persian)
- Qaradawi, Y. (1996). *On the jurisprudence of priorities: A new study in light of the Qur'an and Sunnah* (2nd ed.). Cairo: Maktabat Wahbah. (In Persian)
- Qomi, M. (1378 AH). *Al-qawānin al-muhkama in principles of jurisprudence* (2nd ed., Vol. 2). Islamic Scientific Bookstore. (In Persian)
- Rajaei, S. (2013). The concept and index of economic justice. *Islamic Economic Knowledge*, 9. (In Persian)
- Rajaei, S., & Moallemi, S. (2011). An introduction to the concept of economic justice and its indicators. *Islamic Economic Knowledge*, 4. (In Persian)
- Sadr, M. (1400 AH). *Iqtisaduna*. Beirut: Dar Al-Ta'aruf for Publications. (In Persian)

- Sen, A. (1995). *Inequality reexamined*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Sen, A. (1999). *Development as freedom*. New York: Anchor Books.
- Taskhiri, M. (2009). Maqasidi jurisprudence and its authority (with a look at the method of Martyr Sadr). *Andishe-ye Taqrib*, 18, 9–44. (In Persian)
- Tavakoli, M. (2018). Not just for the money: Hidden costs of rewards and punishments—From psychology to economics. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (In Persian)
- Zahedi Vafa, Mohammad Hadi et al. (2016). Criticism of Islamic economics' reliance on dual-dimensional utility; an introduction to religious duty-based utility. *Islamic Economic Studies* (17), 59-84. (In Persian)